



تصویری از انسان

۱- معرفی انسان

انسان رکن اصلی آموزش و پرورش و موضوع تربیت است . برای اوست که این تلاش ها توسط والدین و مربیان انجام میگردد . اوست که باید پرورده و ساخته شود ، تحول و تکامل بیپذیرد . بدینسان ضروری است از دیدگاه مکتبی که مورد قبول ما از نظر تربیت است انسان را معرفی کنیم . ابعاد وجودی ، ارزش او و جنبه تربیت پذیری او را ذکر کنیم تا در امر تربیت او سرگردان نباشیم ، دچار اشتباهاتی نشویم و چون کشتی بی قطب نما در میان امواج باین سو و آنسو نرویم .

اما این نکته را نیز باید یادآور شویم که کوشش فلاسفه و انسان شناسان برای شناخت حقیقت و ماهیت وجودی او همچنان ادامه دارد و هنوز تعریفی جامع و مانع درباره انسان ذکر نشده است . آنچه را که صاحب نظران ذکر میکنند هرکدام متوجه بعدی از وجود انسان و ناظر به برخی از جنبه های او است . در همه حال اگر بخواهیم انسان را ولو بگونه ای نسبی ، و برآن گونه ای که هست بشناسیم لازم است سالها درباره او مطالعه کنیم ، حالات و رفتارهای او را مورد مشاهده و آزمایش قرار دهیم .



— انسان موجودی است دینامیک که خصوصیات او در گروه تغییر میکند .

— انسان حیوان ناطقی است که عقل و آگاهی دارد .

— انسان حیوانی است با امکانات محدود از نظر قدرت و بر خورداری از لذات .

— انسان ترکیبی است از مواد فیزیکی و شیمیائی ، عقل و روان ، حس و حرکت ، ناطقه و عاقله ، محبت کننده و جو یای محبت . دارای امکان در ایجاد وحدت و هماهنگی بین اجزاء شخصیت .

— تعاریف دیگری هم وجود دارد که جنبه تعالی انسان ، کمال جوئی ، معنویت و ... را معرفی میکند و در جمع هیچکدام او را

تعریف‌ها از انسان :

در این قسمت بچند تعریف درباره انسان اشاره میکنیم که طبق بیان مذکور هر کدام ناظر بیک یا چند جنبه انسان است .

— انسان موجودی است مرید و خردمند و متشکل از مجموعه‌ای از آلات و اعضاء که فعالیت هماهنگی را انجام میدهند .

— انسان موجودی مرکب از ماده و روح ، دارای منشاء خاکی و علوی است .

— انسان موجودی مرکب از مواد فیزیکی و شیمیائی است که دارای حس ، حرکت ، ناطقه و عاقله است .

آنچنانکه هست معرفی نمی‌نماید . ما برای شناساندن انسان سعی داریم جوانب و ابعاد او را که هرکدام چون اصلی هستند معرفی کنیم بگونه‌ای که در خاتمه بحث بتوانیم تصویری ولو ناقص ارائه داده باشیم .

آفرینش انسان :

از نظر اسلام او موجودی است که :

— در تن همانند حیوان و در روح دارای جنبه الهی است و برحیوان امتیاز دارد .
— زشت و زیبا را براساس ملاکهای فطری درک میکند .
— ذاتا گناهکار نیست ولی متمایل به شر است
— او را بالقوه کمالاتی است که میتواند آنها را به فعلیت برساند .

— تغییر پذیراست ، جویای کمال است ، کنجکاو ، متفکر ، خلاق ، انعطاف پذیر ، مستقل و آزاد است .

— این‌امکان در او هست که سازنده و معمار خود باشد .

— ذاتا و فطرتا به برخی از امور خرسند است مثل عفو ، ایثار ، فداکاری ، احسان و ...

— و فطرتا به برخی از امور ناراحت و بدبین است مثل جنایت ، دورویی ، ریاکاری ، قتل ، و

مایه‌های او :

او را دو دسته مایه و ذخیره است :

۱- عقل ، تفکر ، تدبیر ، مال‌اندیشی و این زمینه‌ها اساس تربیت پذیری او را تشکیل می‌دهند ، از رده عقل تمیز بین خیر و شر میدهد ، با آزادی و اختیاری که دارد ، با تفکر و تدبیر یکی از این دورا برمیگزیند .

۲- تصمیم براساس زمینه‌های فوق ، از آن جهت که دارای اراده است .

از سوی دیگر او دارای ملک و ملکوت است . ملک آن شامل ساختمان تن ، از گوشت و

— بحق آفریده شده .

— به بهترین صورت آفریده شده .

— در آفرینش او هدف و نقشه‌ای بوده است .

— در سایه تحمل رنجها و گذر از مراحل دشوار پدید آمده .

— دگرگونیها و تحولات پی درپی را پذیرا شده است .

— اعجوبه آفرینش است .

— همه آنچه که در آسمان و زمین و فیما بین این دو است برای او خلق شده است .

— موجودی است مادی و معنوی ، پدید آمده از آب و خاک و در معرض نفخه رب .

— بر بسیاری از آفریده‌های خداوندی برتری دارد .

— از نطفه امشاج است ، درهم و آمیخته ، از آب و لجن ، با مجموعه‌ای از اضداد .

زمینه نظری او :

— او ترکیبی است از جسم و جان ، مادی و الهی .

— جسم او از جان و جان او از تن جدا نیست .

همان اندیشه است . ملک او محدود و ملکوت او وسیع است . و از دید اسلام در صورتیکه پیاموزد و برای خدا عمل کند در ملکوت آسمانها و زمین که بمراتب وسیع تر از ملک آسمان و زمین است بزرگ خوانده میشود (من تعلم وعمل علم لله و عرفی ملکوت السموات و الارض عظیما) .

کنجکاو و آگاهی او :

— انسان محور اکتشافات و اطلاعات است قوانین و مقررات درباره او براین اساس دور میزند .

— کنجکاو و پژوهشگری دارد بیش از حیوان .

— اطلاعات و آگاهیها را از هر سو جمع آوری کرده و آنرا ارزیابی میکند و گسترش میدهد و بدیگران منتقل میکند .

— از رفتار و حالات خویش آگاه است .

— با استفاده از این آگاهی به حل مسائل میپردازد .

— گاهی برای حل مسائل از طریق فکر و آگاهی به تقلید میپردازد .

— ظاهرا درصدد استفاده از کنجکاو و آگاهی خود برای سعادت مند کردن خویش و احیاناً جامعه است .

مسئولیت او :

— از نظر مذهب او بیهوده و بازیچه آفریده

— او موجودی متعهد و مسئول است .
— خود هم بر مسئول بودن خویش صحه میگذارد .

— مسئولیت فردی او شامل حفظ جان و مال و غرور و عمر خویش و نیز رشد و تکامل مادی و معنوی خویش است .

— مسئولیت اجتماعی او شامل حفظ حیثیت و عرض جامعه ، سازندگی و حفظ محیط (بمعنای عام) خویش است .

— در قبال آفریدگار خود و سرمایه‌های که از این بابت ها در اختیار او گذارده نیز مسئول است .

آزادی و اختیار او :

— او موجودی آزاد است و آزاد آفریده شده . پس حق ندارد بنده دیگران باشد .

— دارای اختیارات است ، یعنی حق برگزیدن آنچه را که خیر تشخیص میدهد دارد .

— توانائی انجام کاری خیر و یا شر را دارد و از این بابت آزاد است .

— میتواند از امکانات خود بنفع خویش استفاده کند و یا بزبان خویش .

— در سر دوراهی شکر و کفران است و بهرگونه که بخواهد میتواند تصمیم بگیرد .

— ملهم به آگاهی‌های فطری در زمینه فجور و تقوا است .

نیازمندی او :

— انسان موجودی فوق‌العاده نیازمند است .
 آنچه‌ان که حیاتش به دمی وابسته است .
 — نیازمندی‌های او را به دو دسته میتوان تقسیم کرد : مادی ، غیر مادی .
 — نیازمندی مادی او عبارتند از نیاز به غذا ، مسکن ، به هوا ، به آب ، به ارضای غرائز به بهداشت ، به حفظ بدن
 — نیازمندی غیرمادی او عبارتند از : نیاز به تعالی ، به زیبایی ، به تجلی رب ، تعلق به گروه ، تکامل روان ، امنیت ، هدفداری ، نظم
 — آنچه مهم است اینکه امکاناتش چه در جنبه کسب و چه در جنبه مصرف محدود ولی خواسته‌هایش نامحدود است .
 — او موجودی سیری ناپذیر است هم در جنبه مادی و هم در جنبه معنوی .

نقطه ضعف ها :

قبلا یادآور شدیم آنچه که در این بحث از یک دید نقطه ضعف بحساب می‌آید از دید دیگر میتواند نقطه قدرت هم باشد . این بستگی بنوع موضعگیری‌ها در برابر مسائل است . اینک بگوشه‌ای از این نقاط ضعف ها از دید قرآن اشاره میکنیم :

— ضعیف آفریده شده (۲۸ نساء) بسیار ستمکار و بسیار نادان است (۷۲ احزاب) ناسپاس است (۶۷ اسراء) ممسک است (۱۰۰ اسراء) مجادله‌گراست (۵۴ - کهف) ستمکار و بسیار حق پوش است (۳۴ - ابراهیم)

حریص آفریده شده (۱۹ معارج) بنعمت خداوندش شکران ندارد (۶ - عادیات) بهنگامیکه بی نیاز شود طغیان میکند (۶ - علق) حالت نومیدی در اوست (۹ - هود) نفس او بیدی فرمانش میدهد (۵۱ - یوسف) بسیار دوستدار مال است (۸ - عادیات) اگر نعمتی با و رسد اعراض و تکبر کند (۸۳ - اسراء) اگر گنجینه‌های نعمت خدا هم در اختیارش قرارگیرد ترس از انفاق دارد و تنگ نظر است (۱۰۰ - اسراء) در برابر دردها بی تاب و در برابر خیرات و لذات جاذب است (۱۹ - معارج) موجودی شتابگر است (۳۷ - انبیاء) موجودی حال خسران و زیان است مگر . . . (۱ - عصر) تنها در سختی‌ها یاد خدا میکند (۱۱ - اسراء) تنگ چشم و ممسک است (۱۲ - یونس) و سوسه شیطان مسلط بر اوست (۲ - ناس) — آیات دیگری هم در این زمینه وجود دارد که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری میشود و اگر روایات در این زمینه را هم بخواهیم ذکر کنیم سخن بدرازا خواهد کشید

اجتماعی بودن انسان :

— موجودی است اجتماعی یا بصورت مدنی-الطبع یا بالاکتساب .
 — دارای روابط اجتماعی ارادی و گاهی هم روابط ناگزیر است .
 — در برابر اجتماع مسئول است ، مسئول سازندگی و بازسازی آن .

در طریق همزیستی و سازگاری است چون زندگی بدون آن امکان ناپذیر است .
 - موقعیت واقعی خود را در اجتماع در سایه مشارکت در امور اجتماعی و در سایه تقوا حاصل میشود .
 - تحت تاثیر اجتماع و فرهنگ است .
 - او میتواند سازنده تاریخ باشد و موجود فرهنگی نو .

حالات و رفتار او .

- رفتار انسان ممکن است دارای جنبه‌های انعکاسی ، ارادی ، اکتسابی ، غریزی و یا حاصل رشد باشد .
 - ممکن است رفتار آگاهانه و یا ناخودآگاه باشد .
 - برخی از رفتارها دارای جنبه آتی هستند و برخی دارای جنبه تدریجی .
 - رفتار اجتماعی او بصورت سخنگویی ، همکاری موافقت ، مخالفت ، همانندی ، سازگاری ، نزاع ، فریب ، است .
 - حالاتش بصورت تاتر ، ناسف ، شادی ،

غم ، اندوه ، خنده ، گریه ، بی تفاوتی ، و است .

تفاوت ها :

انسانها همه چون اتومبیل‌های یک کارخانه و یک مدل نیستند که هیچگونه اختلافی در فرم و شکل و قدرت و سرعت شان نباشد .
 - انسانها باهم متفاوتند .
 - تفاوت‌ها در زمینه وزن ، قد ، رنگ ، نحوه استحکام استخوان بندی ، موهبت ها ، استعدادها ، لیاقت ها ، هوش ... است .
 - تفاوت در عمل و رفتار هم بسیار است .
 - برخی بر برخی دیگر برتری داده شده‌اند هم در روزی ، هم در قدرت تن ، هم در استقامت و
 - تفاوت‌ها در انسان بر اساس روابط علت و معلولی است .
 - تفاوت‌ها زائیده وراثت و محیط است .
 - تفاوت‌ها موجب سوق دادن فرد و جامعه بسوی تکامل است .
 - در عین تفاوت و تباین نقاط اشتراک همزمان در بین انسانها وجود دارد .

